

جهانی‌شدن و تأثیر آن در جذابیت هویتی گروه تکفیری - تروریستی داعش

حسین بهمنش*

مهدی جوکار**

چکیده

ابزارهای ارتباطی نوین با تکامل پی‌درپی خود باعث تسریع جهانی‌شدن و هم‌بستگی زمان و مکان شدند و زندگی انسان را در تمامی عرصه‌های زیست فردی و اجتماعی با فرصت و بحران مواجه کرده‌اند. از جمله این تهدیدها تشدید بحران هویت هم‌زمان با گسترش ابزارهای ارتباطی و استفاده گروه‌های بنیادگرای دینی از ابزارهای ارتباطی جدید در جهت جذب افراد و تعریف هویت‌های مقاومتی در برابر هویت جهانی است. یکی از این گروه‌های بنیادگرا گروه داعش است که در عراق و سوریه فعالیت می‌کند و تاکنون توانسته است موفقیت‌های بسیاری را در جذب نیرو و پیش‌برد اهداف خود کسب کند. پژوهش‌گران در این مقاله با مفروض‌پنداشتن این موضوع که روندهای جهانی‌شدن و پیامدهای آن تأثیرات مستقیمی در رشد بنیادگرایی افراطی دینی از جمله گروه داعش دارد، این پرسش را مطرح می‌کنند که چه نسبتی بین جهانی‌شدن و اقبال افراد به گروه‌های بنیادگرای دینی و به‌طور خاص، داعش وجود دارد؟ در پاسخ به این پرسش و در حکم فرضیه باید گفت هویت‌ها، معناها، مرزها، ارزش‌ها، و مکان و زمان‌های پایدار و سنتی در فرایند جهانی‌شدن به‌نحوه خاصی دچار چالش و فروپاشی شده‌اند و گروه‌های بنیادگرا، و به‌ویژه گروه داعش، با هویت‌سازی و معنادهی خاص خود، که مؤلفه‌های آن در مقاله می‌آید، سعی کرده است از بین جوامعی که

* دانشجوی دکتری رشته مطالعات خاورمیانه و شمال آفریقا، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

behmanesh@ut.ac.ir

** دانشجوی دکتری رشته مطالعات خاورمیانه و شمال آفریقا، دانشگاه تهران، Joukar114@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۶/۱۰

بیش تر دچار بحران هویت‌اند عضوگیری کند و آنان را به سوژه‌های فعال خود تبدیل کند؛ امری که از طریق ابزارهای ارتباطی جدید صورت می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: جهانی شدن، بنیادگرایی تکفیری، داعش، هویت، سوژه‌سازی.

۱. مقدمه

جهانی شدن و تأثیرات ناشی از آن موضوعی است که طی سه دهه اخیر ذهن بسیاری از دانشمندان را به خود درگیر کرده است. به طوری که هزاران اثر در این مقوله به نگارش درآمده است. در این بین نیز تعریف مشترکی وجود ندارد؛ هرچند مفاهیم مشترک یافت می‌شود. به طور ساده می‌توان گفت جهانی شدن به تغییر یا دگرگونی در سطح سامان‌دهی بشری اشاره دارد که جوامع دور از هم را با یکدیگر مرتبط می‌کند و دامنه دسترسی روابط قدرت در سراسر مناطق و قاره‌های جهان را گسترش می‌دهد (هلد و دیگران، ۱۳۸۲: ۱۷). هرچه باشد جهانی شدن واقعیتی انکارناپذیر است که مؤثرترین عامل زایش آن تحول فناورانه و مهم‌ترین تأثیرات آن در دگرگونی مفهوم فاصله، زمان، مرز، و ارتباط قابل مشاهده است (نوابخش و نیکوکار، ۱۳۹۰: ۶). از سوی دیگر، تغییرات و دگرگونی‌های بنیادین ناشی از فرایند جهانی شدن در پهنه زندگی انسان‌ها به قدری وسیع و عمیق است که هر روز به دامنه آن افزوده می‌شود. شکل‌گیری گروه‌های افراطی و تروریستی دینی، که دامنه عمل خود را جهانی تعریف می‌کنند، به طرز جالبی هم‌زمان با شیوع ابزارهای جدید ارتباطی و جهان‌گیری آن‌ها، که از شروط جهانی شدن است، همراه بوده است. به عبارت دیگر، پویای جهانی شدن به صورت دیالکتیکی پویای بنیادگرایی را تشدید کرده است (کاستلز، ۱۳۸۰: ج ۲، ۴۹).

سازمان القاعده دامنه عمل خود را در کل جهان تعریف می‌کرد و از این ابزارها برای شبکه‌کردن و عضوگیری از بین مسلمانان غربی به شیوه‌ای ماهرانه بهره‌گیری کرد. طی دهه اخیر گروه‌های تکفیری به سبب فروپاشی دولت، اشغال از جانب امریکا، و تمایل برخی از کشورهای منطقه خاورمیانه به خصوص عراق را به پایگاه فکری و عملی خود تبدیل کردند که با شکل‌گیری خیزش‌های مردمی حوزه عمل خود را در سوریه متمرکز کردند. از مهم‌ترین، مشهورترین، و جاه‌طلب‌ترین این گروه‌ها «دولت اسلامی عراق و شام» معروف به داعش است که توانسته است بخش اعظمی از کسانی را که در سیمت جنگ‌جوی خارجی وارد سوریه شده‌اند به خود جذب کند. بنابراین، پرسشی که در این بین مطرح می‌شود این

است: چه نسبتی بین جهانی شدن و اقبال افراد به گروه‌های بنیادگرای دینی خصوصاً داعش وجود دارد؟ در پاسخ به این پرسش و در حکم فرضیه این‌گونه مطرح می‌شود: هویت‌ها، معناها، مرزها، ارزش‌ها، و مکان و زمان‌های پایدار و سنتی در فرایند جهانی شدن به‌نحوه خاصی دچار چالش و فروپاشی شده‌اند و گروه‌های بنیادگرا به‌ویژه گروه داعش، با هویت‌سازی و معنادهی خاص خود، که مؤلفه‌های آن در ادامه می‌آید، سعی کرده است تا از بین جوامعی که بیش‌تر دچار بحران هویت‌اند عضوگیری کند و آنان را به سوژه‌های فعال خود تبدیل کند؛ امری که از طریق ابزارهای ارتباطی جدید صورت می‌گیرد.

برای اثبات فرضیه مطرح‌شده و پاسخ‌گویی به پرسش این پژوهش، سعی شده است در ابتدا و پیش از ورود به چهارچوب نظری، مروری کلی بر داعش و تاریخچه پیدایش آن بیان شود تا نمایی کلی از سوژه موردبررسی ارائه شود. سپس چهارچوب نظری ارائه می‌شود و در ادامه، شاخص‌های مطرح‌شده در بخش چهارچوب نظری به‌منزله بخش اصلی، در قالب دو زیرعنوان کلی داعش، خاص‌گرایی فرهنگی، و جذب نیرو و هم‌چنین رسانه‌های ارتباطی جدید ابزار جذب نیرو از سوی داعش مطرح می‌شود. در پایان نیز به نتیجه‌گیری این پژوهش پرداخته می‌شود.

آن‌چه امروزه با عنوان دولت اسلامی شناخته می‌شود ریشه‌هایش به گروه «جماعت التوحید و الجهاد» برمی‌گردد که در سال ۱۹۹۹ به‌دست ابومصعب الزرقاوی تشکیل شد. تمرکز نخستین جماعت توحید و جهاد بر تغییر رژیم در اردن قرار داشت. زرقاوی از جهادی‌هایی بود که در افغانستان جنگیده بود. پس از حمله آمریکا به عراق در ۲۰۰۳، زرقاوی حمله به نیروهای امریکایی در عراق را در دستورکار گروهش قرار داد. او شخصیتی خشن و درنده داشت و همین ویژگی به‌منزله میراث او در دولت اسلامی باقی مانده است. زرقاوی، با وجود اختلافاتی که با بن‌لادن داشت، در سال ۲۰۰۴ با او بیعت کرد و گروهش به‌عنوان یکی از شاخه‌های القاعده شناخته شد. از این زمان، زرقاوی نام گروهش را به «القاعده در سرزمین‌های بین دو رود» (القاعده در عراق) تغییر داد (The Islamic State, 2014: 5). القاعده زرقاوی، با استفاده از ناآرامی‌های عراق، شبکه حامیان خود را ایجاد کرد و هرچند از لحاظ رسمی جزئی از گروه القاعده مادر به‌حساب می‌آمد، اما سعی کرد شیوه‌های خودش را در عراق برای مبارزه با نیروهای امریکایی و شیعیان عراقی در پیش گیرد. پس از مرگ زرقاوی در ۲۰۰۶، رهبری القاعده در عراق به ابویوب المصری و سپس به ابوعمر البغدادی رسید که هر دوی آن‌ها در ۲۰۱۰ به‌دست نیروهای امریکایی کشته شدند.

در سال ۲۰۰۶، این گروه نام خود را به «دولت اسلامی در عراق» تغییر داد و این نشان داد که آن‌ها به دنبال تسلط بر سرزمین عراق برای ایجاد یک دولت اسلامی‌اند. بنابراین، این گروه تمرکز خود را بر استان الانبار گذاشت؛ جایی که نارضایتی‌ها (از دولت شیعی بغداد) بالا گرفته بود، اما تلاش‌های خشونت‌آمیز آن‌ها برای اجرای شریعت به نارضایتی قبایل سنی‌نشین این استان منجر شد. به همین سبب و با کمک نیروهای امریکایی نیرویی با عنوان «شورای بیدار»، متشکل از جنگ‌جویان سنی، برای مبارزه با دولت اسلامی عراق تشکیل شد و آن‌ها را از استان الانبار و شهر فلوجه بیرون کردند. از سال ۲۰۱۰، ابوبکر البغدادی رهبری القاعده در عراق را برعهده گرفت و تلاش کرد بخشی از حامیان ازدست‌رفته آن را بازیابد. او هم‌چنین، برای تقویت گروهش، از فضای متشنج در سوریه بهره‌برداری کرد و بخشی از نیروهایش را در سال ۲۰۱۳ وارد سوریه کرد تا علیه بشار اسد بجنگند. از این زمان، بغدادی نام گروه را تغییر داد و آن را «دولت اسلامی در عراق و شام» نام‌گذاری کرد (The Islamic State, 2014: 7).

داعش با وجودی که وارد جنگ سوریه شده بود، هم‌چنان به دنبال تسلط بر مناطق سنی‌نشین عراق و به‌ویژه استان الانبار بود. به همین سبب، در ژانویه ۲۰۱۴ دو شهر فلوجه و رمادی را در استان الانبار در کنترل خود گرفت. در اوایل ژوئن، داعش با حمله‌ای برق‌آسا به سرعت شهر موصل، دومین شهر بزرگ عراق، را به کنترل خود درآورد و جهان را در شوک فرو برد. در ۲۹ ژوئن، داعش تشکیل خلافت اسلامی را، در بخش‌هایی از سرزمین‌های عراق و سوریه، که اشغال کرده بود، اعلام کرد و بغدادی خود را خلیفه مسلمانان خواند. از این به بعد، بار دیگر اسم این گروه تغییر کرد و عنوان «دولت اسلامی» را به خود گرفت. ایدئولوژی دولت اسلامی برپایه تفسیری سلفی‌گرایانه و جهادی از اسلام قرار دارد که با خشونت تمام درصدد اجرای قوانین شریعت است. ایدئولوژی این گروه همان ایدئولوژی القاعده و طالبان است، اما در شیوه‌های عمل و زمان تشکیل خلافت اسلامی با یک‌دیگر اختلاف دارند.

۲. چهارچوب مفهومی؛ جهانی‌شدن و خاص‌گرایی فرهنگی و هویتی

دیدگاه‌های مختلفی پدیده جهانی‌شدن را بررسی کرده‌اند و هرکدام از منظری خاص و مبتنی بر پیش‌فرض‌های خاص آن مکتب این پدیده را بررسی کرده‌اند. از جمله می‌توان به سه دیدگاه اصلی روابط بین‌الملل اشاره داشت: رئالیسم، مارکسیسم، و لیبرالیسم.

رنالیست‌ها از جمله کسانی‌اند که منکر پدیده جهانی شدن و چالش‌های آن برای دولت-ملت‌هایند. آن‌ها بر این اعتقادند که اگرچه ارتباط متقابل اقتصادی جوامع ممکن است آن‌ها را بیش‌تر به یک‌دیگر وابسته کند، اما چنین حکمی را درباره کشورهای نمی‌توان جاری کرد. جهانی شدن فقط در حیات اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی تأثیر خواهد گذاشت و نمی‌تواند از نظام بین‌المللی مبتنی بر کشورها فراتر رود (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ج ۱، ۳۲). آن‌ها بر این اعتقادند که برخلاف این که برخی معتقدند جهانی شدن باعث می‌شود کشورها حاکمیت خود را از دست بدهند و نظام موازنه قدرت و نگاه تعارض‌آمیز به روابط بین‌الملل از بین می‌رود، نظام بین‌الملل آنارشیک و مبتنی بر دولت‌محوری و خودیاری کماکان به حیات خود ادامه می‌دهد و معتقدند که جهانی شدن حتی باعث تقویت دولت-ملت و گسترش نفوذ آن بر جامعه شده است و ابزار کنترلی آن را تقویت می‌کند. بنابراین، آن‌ها معتقدند در فرایند جهانی شدن دولت‌ها و نظام بین‌الملل فعلی کماکان به حیات خود ادامه خواهند داد. کنت والتز، از متفکران برجسته واقع‌گرای و شارح «واقع‌گرایی ساختاری»، معتقد است برخلاف ادعای هواداران وابستگی متقابل و جهانی شدن، هنوز مسائل سیاسی و نیروهای سیاسی در شکل‌گیری حوادث بنیادین جهان مؤثرتر و مهم‌تر از نیازها و الزامات اقتصادی‌اند. کم‌تر کسی ممکن است دلیل وحدت آلمان یا حمله به صدام حسین را با وابستگی متقابل اقتصادی توضیح دهد (سلیمی، ۱۳۸۴: ۱۳۱-۱۳۲).

مارکسیست‌ها، برخلاف رنالیست‌ها، جهانی شدن را همانند لیبرالیست‌ها می‌پذیرند، اما برعکس متفکران لیبرال، دیدگاه مثبتی به آن ندارند. از دیدگاه نظریه‌پردازان مارکسیست، جهانی شدن فریبی بیش نیست. این پدیده مسئله جدیدی نیست و در واقع مرحله‌نهایی در توسعه سرمایه‌داری بین‌المللی است (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ج ۱، ۳۲). از نظر والرستین، جهانی شدن گفتمانی برخاسته از ایدئولوژی توجیه‌گر نظام جهانی سرمایه‌داری است که می‌خواهد شرایط جدید بهتری را پیش روی مردمان جهان ترسیم کند، اما واقعیت چنین نیست. برای والرستین فرایند جهانی شدن چیزی جز جهان‌شمولی سرمایه‌داری نیست. در این جهان یک‌پارچه هویت‌های فرهنگی و سیاسی هم‌چنان وجود دارد، اما الزامات اقتصادی آن‌ها را به هم پیوند زده است (سلیمی، ۱۳۸۴: ۲۰۹-۲۱۰). به‌طور کلی، در نگرش مارکسیستی به بحث‌های جهانی شدن از زاویه‌ای اقتصادی نگریسته می‌شود و مارکسیست‌ها محتوای جهانی شدن را گسترش جهانی سیستم اقتصادی سرمایه‌داری معرفی می‌کنند. به‌نظر آنان، جوانب جهانی شدن بر محور جهانی شدن سرمایه‌داری می‌چرخد (سجادپور، ۱۳۸۹: ۳۵). از

این نظر، باید گفت جهانی‌شدن در دیدگاه مارکسیسم امری برخلاف مصالح جهانی و بشری است که برخلاف تصور عامه منافع عده‌ای خاص را در نظام سرمایه‌داری تأمین می‌کند. برخلاف دو مکتب قبلی، لیبرالیسم جهانی‌شدن را به فال نیک می‌گیرد و از آن استقبال می‌کند. لیبرال‌ها معتقدند جهانی‌شدن محصول نهایی تغییرات بلندمدت سیاست جهانی است. به اعتقاد آنان، جهانی‌شدن دیدگاه رئالیست‌ها دربارهٔ سیاست جهانی را به صورت بنیادین تغییر داده است، زیرا این روند نشان داده است که دولت‌ها دیگر همانند سابق بازیگران اصلی نظام بین‌الملل نیستند و به جای آن‌ها مجموعه‌ای از بازیگران جدید مطرح شده‌اند که اهمیت آن‌ها در موضوعات گوناگون متفاوت است. کشورها دیگر واحدهای مهر و موم شده و بسته‌ای نیستند و جهان همانند شبکه‌ای از روابط به نظر می‌رسد که متفاوت از مدل رئالیست‌ها و مارکسیست‌ها خواهد بود (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۳۲-۳۳). در نگرش لیبرالیستی، جهانی‌شدن به معنی جهانی‌شدن لیبرالیسم است. در واقع امروز گسترش جهان سرمایه‌داری، تجارت آزاد، دموکراسی، و تکثر فرهنگی را شاهدیم (قریشی، ۱۳۸۲: ۳۲). از نقطه نظر کیفی، پدیده جهانی‌شدن و لیبرالیسم هم‌بستر و هم‌سنگ‌اند و هم‌سو با یکدیگر حرکت می‌کنند (دهشیر، ۱۳۸۸: ۵۳). هرچند تنوع گوناگونی را در نظریه‌پردازان این مکتب شاهدیم، اما به صورت کلی، آن‌ها از این روند خشنودند. از مهم‌ترین متفکران این مکتب می‌توان از دیوید هلد، آنتونی مک‌گرو، و فرانسیس فوکویاما نام برد. هلد و مک‌گرو در زمره نظریه‌پردازان معتقد به تحول‌گرایی (transformationalist) به‌شمار می‌روند که معتقدند در آستانه هزاره جدید جهانی‌شدن نیروی جدیدی است که تحول سریع اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی را به‌پیش می‌برد. از نظر آنان، فرایند کنونی جهانی‌شدن بی‌سابقه است و نمونه مشابهی در تاریخ بشر ندارد. اگر در گذشته جداکردن عرصه داخلی، منطقه‌ای، و جهانی از هم به‌سادگی صورت می‌گرفت، در شرایط جدید این تقسیم‌بندی غیرممکن است و سطوح گوناگون روابط اجتماعی به‌هم پیوسته و در هم ادغام شده‌اند (سلیمی، ۱۳۸۴: ۳۰).

در این نوشتار، با توجه به محدودیت حیطه نگرش و فضای نوشتار، سعی شده است جهانی‌شدن از زاویه خاصی بررسی شود. بنابراین، تأکید این پژوهش بر تأثیر جهانی‌شدن در بنیادگرایی و جذب افراد به گروه‌های بنیادگراست. به‌همین سبب، و برای پاسخ به پرسش مطرح‌شده در مقاله، تلاش شده است بر دو بعد اصلی و تأثیرگذار جهانی‌شدن تمرکز شود، که در موفقیت گروه‌های بنیادگرا در جذب نیروهای جدید و گسترش عمودی و افقی آن‌ها تأثیرگذار است. این دو بعد یکی تأثیر جهانی‌شدن در بحران هویت به‌منزله یکی از عوامل

اصلی زمینه‌ساز جذب افراد به گروه داعش و دیگری جهانی شدن و ارتباطات به‌عنوان ابزار تبلیغات و جذب نیرو از سوی گروه داعش است.

در بحث جهانی شدن و بحران هویت، می‌توان به تأثیر جهانی شدن در خاص‌گرایی فرهنگی اشاره کرد که عامل اصلی ایجاد جوامع با هویت‌های خاص و گاهی مقاومتی در مقابل موج یک‌شکل شدن هویت‌ها و به‌منزله راهی برای مقابله با بحران هویت است.

در این بخش از مقاله، تأکید بر تأثیر جهانی شدن در خاص‌گرایی فرهنگی و هویتی یکی از دلایل اصلی جذب افراد به گروه‌های بنیادگراست. به‌همین منظور و برای علمی‌تر شدن این مبحث، این بخش از مقاله بر یافته‌های پژوهشی رساله دکتری احمد گل‌محمدی با عنوان «تجدد، جهانی شدن، و هویت خاص‌گرایی فرهنگی در جهان معاصر» تکیه دارد.

گل‌محمدی درباره ادعای رساله خود می‌گوید: فرایند جهانی شدن بستر و زمینه مناسبی برای خاص‌گرایی فرهنگی فراهم می‌کند و به‌همین سبب، هرچه فرایند جهانی شدن پرشتاب‌تر و شدیدتر می‌شود، خاص‌گرایی فرهنگی نیز بیش‌تر و گسترده‌تر می‌شود. این فرایند با بازسازی فضا و زمان، نفوذپذیرکردن مرزها و تخریب فضاهای فرهنگی - اجتماعی نسبتاً بسته، هویت‌سازی سنتی را بسیار دشوار و حتی ناممکن می‌کند. بنابراین، نوعی بحران هویت و معنا شکل می‌گیرد که عبور از آن مستلزم بازسازی هویت است. مفهوم بازسازی هویت ترکیبی کلیدی است که ره‌یافت این بخش از مقاله را در پاسخ به پرسش و چرایی کشش و جذابیت گروه‌های تروریستی مانند داعش مشخص می‌کند. گل‌محمدی واکنش در بازسازی هویت را این‌گونه مطرح می‌کند: در چنین شرایطی برخی انسان‌های دچار بحران بازسازی هویت خود را فقط به‌واسطه منابع و شرایط هویت‌سازی سنتی ممکن می‌دانند. این‌گونه انسان‌های ناتوان از بازسازی غیرخاص‌گرایانه هویت معمولاً در برابر ایدئولوژی‌های خاص‌گرایانه بسیج‌پذیرند و پایگاه اجتماعی جنبش‌های بنیادگرا را تشکیل می‌دهند. ایدئولوژی‌های بنیادگرا مدعی‌اند، با احیای فضاهای بسته اجتماعی و فرهنگی، امکان بازسازی سنتی هویت را برای انسان‌های موردنظر فراهم خواهند کرد (گل‌محمدی، ۱۳۸۰: ۱). او در تعریف خود از جهانی شدن می‌گوید: منظور از جهانی شدن عبارت است از فرایند فشردگی فزاینده زمان و مکان که به‌واسطه آن مردم دنیا کم‌وبیش و به‌صورتی نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی واحد ادغام می‌شوند (همان: ۴).

فرایند جهانی شدن، با پدیدآوردن آگاهی جهانی، جنبه‌های عام فرهنگ‌های خاص دینی را تقویت می‌کند که معطوف به شرایط و مسائل جهانی‌اند. از سوی دیگر، انواعی از

بنیادگرایی فرهنگی را نیز تقویت می‌کند که دغدغه فرهنگی و احیای مرزها و فضاها را فرهنگی محدود سنتی را در سر می‌پرورانند (همان: ۱۱۱). در این زمینه، خاص‌گرایی فرهنگی عبارت است از توسل به ایدئولوژی‌هایی که در آن بر بی‌همتایی و حتی برتری شیوه زندگی، اعمال، و باورهای گروه یا جماعتی معین تأکید می‌شود. این پدیده در انواع رفتارهای جمعی خشونت‌بار و غیرخشونت‌بار مانند خیزش‌ها و ستیزهای قومی، جنبش‌های ملی‌گرایانه، بنیادگرایی، نژادپرستی‌های جدید و از این قبیل نمود می‌یابد (همان: ۵). طی جهانی‌شدن، شکل‌گیری یک فضای جهانی ناشی از فشردگی فضا و زمان و فروریزی مرزها و فضاها محدود و نسبتاً بسته سنتی برخوردار فرهنگ‌های خاص با یک‌دیگر و با فرهنگ جهانی را گریزناپذیر کرده است. نتیجه این برخوردها شکل‌گیری انواعی از روابط و کنش‌های فرهنگی در عرصه جهانی است که بسیار پرشمار و متنوع‌اند (همان: ۱۱۵). او سه نوع خاص‌گرایی فرهنگی را نام می‌برد: خاص‌گرایی منزوی که سعی دارد با گوشه‌گیری از اجتماع و فرهنگ جهانی و غالب خود را محفوظ نگاه دارد، خاص‌گرایی سرسخت و ستیزه‌جو که طی تعریف مرزهای خود درصدد ارائه جدال‌مندانانه و مبارزه سرسختانه با فرهنگ‌های دیگر و به‌خصوص فرهنگ جهانی است، و خاص‌گرایی ریشه‌دار که در پی نگهداری عناصری از فرهنگ خود و عرضه آن به جهان است، اما مرزهای هویتی خود را حفظ می‌کند (همان: ۸-۱۴۵).

گل‌محمدی سپس دیدگاه خود را درباره بنیادگرایی و رابطه آن با خاص‌گرایی فرهنگی و جهانی‌شدن بیان می‌کند. بنیادگرایی وضع فعلی را نامطلوب می‌داند و تصویری ناپسند از آن عرضه می‌کند. آنان به‌ویژه ساختار فرهنگی حاکم‌بر جهان را به‌باد انتقاد می‌گیرند و فرهنگ جهانی را آماج حملات خود قرار می‌دهند، ویژگی این فرهنگ جهانی اصول و ارزش‌های تجدد است و به‌همین سبب تجددستیزی به رسالت اصلی بنیادگرایان تبدیل می‌شود. بر این اساس، از آن‌جا که تجدد پدیده‌ای جهانی است، بنیادگرایی نیز جهانی می‌شود (همان: ۱۶۷). بنیادگرایان پی‌درپی برای بازسازی هویتی خود و جذب انسان‌ها در تلاش‌اند؛ انرژی آن‌ها به‌گزینش ویژگی‌هایی صرف خواهد شد که هویت آن‌ها را به بهترین وجه تقویت کند، جنبش آن‌ها را منسجم کند، از مرزهای آن‌ها دفاع کند، و اغیار را دور نگاه دارد (همان: ۱۶۸). نخستین گام در این راه مبارزه و جهاد علیه جهل و مفساد اجتماعی و فرهنگی منحط بیگانه در سرزمین اسلامی است تا همه‌چیز اسلامی شود و سیاست برای همیشه در خدمت دین قرار گیرد. در این جنگ مقدس مسلمانان باید هرگونه تعلق ملی و قومی را، که از عوامل اصلی نفاق است، کنار گذارند و

به تابعیت امت اسلام درآیند. آمادگی برای شهادت و فداشدن نیز شرط دیگر این رسالت الهی است (همان: ۱۷۶).

براساس موارد گفته‌شده، خاص‌گرایی فرهنگی هفت ویژگی شاخص دارد:

۱. تضاد با جهانی‌شدن و فرهنگ جهانی؛
۲. تأکید بر مکان، محل، و سرزمین معین. ناامنی حاصل از فضاامندی و سرزمین‌زدایی افراد را به تلاش برای مکان‌مندکردن دوباره هویت و ایجاد یک خانه فرهنگی امن وامی‌دارد. در واقع، این ایدئولوژی‌ها بر موضوعی تأکید می‌کنند که برخی نظریه‌پردازان و پژوهش‌گران با عنوان تولید محل از آن سخن می‌گویند (همان: ۲۴۵). خاص‌گرایی دینی به‌صورت ضمنی یا آشکارا بر ممتازبودن سرزمین معین صحنه می‌گذارد و پاک‌کردن این سرزمین متعلق به امت از ناپاکی‌ها و ناخالصی‌ها را رسالت اصلی خود می‌داند (همان: ۲۳۵)؛
۳. تأکید بر تمایز، تفاوت، و شفاف‌کردن مرزها. این امر از آن رو اهمیت دارد که فرایند جهانی‌شدن با نفوذپذیرکردن و نابودکردن مرزها تفاوت و غیریت را مشکل‌ساز می‌کند. در چنین شرایطی هم‌پوشانی‌های قلمرو ما و دیگران بسیار افزایش می‌یابد و بازنشانی مرز بین آن دو قلمرو دشوار می‌شود (همان: ۲۴۶). بنیادگرایی فرهنگی احیای تفاوت‌های نسبتاً مطلق و مرزهای کم‌وبیش روشن را وعده می‌دهد و می‌کوشد تفاوت پایدار و قابل‌شناسایی را چونان نماد هویت برجسته کند (همان: ۲۴۶). ایدئولوژی‌های خاص‌گرا با تأکید بر این مقوله‌های فرهنگی، انسان امروزی را، که در جست‌وجوی تفاوت است تا هویت خود را اثبات کند و نشان دهد، جذب می‌کند (همان: ۲۵۵)؛
۴. واکنش به تأثیر جهانی‌شدن در زمان. تبدیل زمان کرونولوژیک به زمان بی‌پایان، از بین رفتن تمایز بین گذشته و حال، و آنچه هم‌زمانی یا در لحظه‌بودن نامیده می‌شود خاطره و تاریخ را محو می‌کند و ناامنی و اضطرابی پایدار در افراد ایجاد می‌کند. برای گرفتارآمدگان مهم‌ترین مجرای معناداری گذشته مشترک یک اجتماع واقعی است (همان: ۲۴۸)؛
۵. خاص‌گرایی فرهنگی یا نسبیستیزی. در جوامع سنتی هویت‌سازی به‌واسطه منابع و عناصر محدود و مطلق فرهنگی صورت می‌گرفت و به‌همین سبب، یقین و قطعیتی بر نظام معنایی انسان حاکم بود (همان)؛
۶. نفی هرگونه آمیزش و اختلاط و تأکید بر خلوص و امر ناب. از آنجایی که جهانی‌شدن مرزها را خدشه‌دار و تحرک جوامع را شتاب‌ناک کرده است، نوعی اختلاط و آمیزش فرهنگی موجب ورود سایر آموزه‌ها به فرهنگ‌ها و در نتیجه موجب خدشه‌دارشدن

اصالت فرهنگی می‌شود و حاصل آن با مدرنیته نوعی اباحه‌گری است که واکنش‌های شدید را به وجود می‌آورد؛

۷. جماعت‌گرایی در واکنش به فردگرایی. آنچه توجه به آن اهمیت بسیاری دارد این مسئله است که ابعاد و گستره‌های جهانی‌شدن از یک‌دیگر منفک نیستند، بلکه مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده و پیش‌برنده جهانی‌شدن در فضایی شبکه‌ای و به‌صورتی هم‌افزا قرار دارند که هرکدام دیگری را تقویت می‌کند و از کنارهم فرارگرفتن این‌ها ابعاد تازه‌ای ایجاد می‌شود. بنابراین، شکل‌گیری بحران هویت را نمی‌توان متغیری جداگانه در نظر گرفت، بلکه باید آن را در کنار دیگر متغیرها و مؤلفه‌های جهانی‌شدن بررسی کرد. یکی از مهم‌ترین این متغیرها، که از عوامل اصلی فهم درباره بحران هویت است و نیز از عواملی است که آن را تشدید می‌کند و به مرحله بروز می‌رساند، گسترش ابزارهای ارتباطی در فضای جهانی‌شده و متأثر از دانش شبکه‌ای است. بنابراین، توجه به این مقوله در بررسی دلایل جذب افراد به گروهی بنیادگرایی همانند داعش اهمیت بالایی دارد.

۱.۲ رسانه‌های ارتباطی ابزاری برای تبلیغات و جذب نیرو

انقلاب ارتباطات به‌صورت بنیادین چگونگی برخورد ما با بقیه جهان را تغییر داده است. امروزه در جهانی زندگی می‌کنیم که تحولات و رویدادها در یک نقطه می‌تواند به‌سرعت در دیگر نقاط جهان مشاهده شود. ارتباطات الکترونیک دیدگاه‌های ما را درباره گروه‌هایی اجتماعی که در آن‌ها زندگی می‌کنیم تغییر داده است (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۳۹). رشد روزافزون شبکه‌های ماهواره‌ای، رادیویی، و تلویزیونی و نیز گسترش سریع اینترنت و شبکه‌های جهانی سبب شده است تا ماهیت دانش، اطلاعات، و حتی جایگاه انسانی که در معرض این حجم عظیم اطلاعات و محصولات قرار می‌گیرد متحول شود (سلیمی، ۱۳۸۰: ۷۵-۷۶). بنابراین، باید گفت که انقلاب ارتباطات باعث گسترش فرایندهای جهانی‌شدن به‌خصوص پس از دهه ۱۹۹۰ شده و جهانی‌شدن باعث تحول در ماهیت دانش و فناوری شده است، زیرا فناوری‌های عصر پسا صنعتی، برخلاف فناوری‌های عصر صنعتی، دانش‌بنیادند و با تکیه بر خود و دانش بازتولید می‌شوند و نمی‌توان آن را محدود به کشورهای صنعتی دانست، بلکه هرکس که با این فناوری‌ها از طریق شبکه جهانی اینترنت در ارتباط باشد و از زمینه علمی خوبی برخوردار باشد می‌تواند به بازتولید و گسترش دامنه این فناوری‌ها بپردازد. این مسئله باعث سلب هرچه بیش‌تر حاکمیت داخلی و خارجی

دولت‌ها شده و حیطة عمل گروه‌های بنیادگرا را، در نقش یکی از بازیگران اصلی محیط جهانی شده، به صورت روزافزونی گسترش داده است به گونه‌ای که دولت‌ها کم‌تر به کنترل آن‌ها قادرند، زیرا کنترل فضای مجازی بسیار سخت و هزینه‌بردار است و بار گرانی بر دوش دولت‌ها خواهد گذاشت.

با گسترش شبکه جهانی اینترنت و افزایش روزبه‌روز تعداد کاربران آن، تأثیرات آن نیز روزبه‌روز بیش‌تر شد و گروه‌های اجتماعی مختلف در جهت اهداف خود از آن‌ها استفاده کردند. در واقع، از طریق اینترنت بود که مارکوس، رهبر چریکی زاپاتیستاهای چیپاس، در زمان فرارش در فوریه ۱۹۹۵ از اعماق جنگل لاکندون با جهان و رسانه‌های عمومی ارتباط برقرار کرد (کاستلز، ۱۳۸۰: ۳۳). مانوئل کاستلز شبکه اینترنت را ستون فقرات ارتباطات کامپیوتری در دهه ۱۹۹۰ نامید، زیرا اینترنت تمامی شبکه‌ها را به یکدیگر وصل می‌کند. این فناوری شبکه‌ای به گونه‌ای است که دولت‌ها نمی‌توانند بر آن کنترل مطلق داشته باشند و آن را سانسور کنند. یگانه راهی که می‌توان این شبکه را کنترل کرد ایجاد ممانعت از دسترسی به آن است که این کار نیز، به سبب این که امروزه تقریباً تمامی سازمان‌ها و نهادها به شبکه اینترنت متصل شده‌اند، تقریباً غیرممکن است. بر همین اساس، باید گفت که اینترنت نقشی بی‌بدیل در افزایش فعالیت و حیطة عملکرد گروه‌های بنیادگرا دارد. اینترنت نشان داده است که در متحد کردن مبارزات در طول و عرض مرزهای ملی و فرهنگی تا چه حد پرتوان است. برخی از ناظران چنین استدلال می‌کنند که عصر اطلاعات شاهد «کوچ» قدرت از دولت - ملت به پیمان‌ها و ائتلاف‌های نوین غیردولتی است (گیدنز، ۱۳۸۸: ۶۳۴). استفاده گسترده از وبسایت‌ها، وبلاگ‌ها، تالارهای گفت‌وگو، و مهم‌تر از همه شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک و توئیتر نموده‌های بارزی از قابلیت‌های اینترنت در بسیج و سازمان‌دهی گروه‌های بنیادگرا و تبلیغ ایدئولوژی‌شان برای جذب نیرو و نفوذ در افکار است.

پیشرفت در فناوری‌های ارتباطی دوره‌ای تازه برای تروریسم ایجاد کرده است و شبکه‌های اجتماعی آنلاین به منبع اصلی برای طیف گسترده‌ای از ارتباطات، از استفاده از آن‌ها به مثابه راه ارتباطی تا تبلیغات و جذب جنگ‌جو برای تروریست‌ها، تبدیل شده است. در حالی که استفاده‌کنندگان از شبکه‌های اجتماعی می‌توانند از آن برای برقراری ارتباطات و تبادل اطلاعات به صورت مثبت استفاده کنند، همان فناوری‌ها می‌توانند به صورتی منفی و برای گروه‌های تروریستی استفاده شوند. هم‌چنان‌که فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی پیشرفت می‌کنند و شیوه زندگی ما را تغییر می‌دهند، دوران تروریسم را نیز تغییر می‌دهند.

اخیراً گروه‌های تروریستی از شیوه‌های سنتی ارتباطات به سمت شبکه‌های اجتماعی حرکت کرده‌اند. این شبکه‌ها ارتباط آسان‌تر و امن‌تر را برای انتشار اطلاعات، آموزش نیروها، جذب نیروهای جدید، سازمان‌دهی حملات، و همراه کردن افکار با خودشان به گروه‌های تروریستی ممکن کرده است. در گزارشی که مؤسسه «امنیت میهن» دانشگاه جورج واشنگتن در ۲۰۰۹ منتشر کرد به این نکته اشاره شده است که اینترنت به ابزاری برای گروه‌های تروریستی در تبلیغات و جذب نیرو تبدیل شده است (Ishengoma, 2013: 4).

امروزه جذب و آموزش نیرو از سوی گروه‌های تروریستی، که از طریق شبکه‌های اجتماعی صورت می‌گیرد، بسیار آسان‌تر و به‌صورتی مخفیانه‌تر از قبل صورت می‌گیرد، زیرا در گذشته این کار به ملاقات فیزیکی آموزش‌دهنده و کسی که قرار بود آموزش ببیند نیاز داشت (Ishengoma, 2013: 4). بنابراین و برپایه آمارها، امروزه نزدیک به ۹۰ درصد از فعالیت‌های گروه‌های تروریستی در اینترنت از طریق شبکه‌های اجتماعی صورت می‌گیرد. این شبکه‌های اجتماعی مکان مناسبی برای کسانی است که درصدد عضوگیری یا عضوشدن‌اند و هویتشان نیز مخفی می‌ماند. عناصر تروریستی از طریق این شبکه‌ها با هواداران خود در سراسر جهان ارتباط می‌گیرند و دستورات لازم را به آن‌ها می‌دهند (Noguchi, 2014). به‌همین سبب، باید گفت فضای مجازی با وجود این‌که از جمله دلایلی است که بحران هویت و تفرد را در جوامع غربی دامن زده است، اما امکانات ارتباطی آن این امکان را به گروه‌های تروریستی داده است تا با تکیه بر این امکانات با جوامع هدف خود در تماس باشند و افکار خود را تبلیغ کنند.

با تکیه بر این چهارچوب نظری، در ادامه مقاله به بحران هویت به‌منزله یکی از اصلی‌ترین دلایل جذب افراد به گروه داعش و ابزارهای ارتباطی جدید در حکم عامل پیوند بین داعش و هوادارانش در سراسر جهان می‌پردازیم.

۳. داعش، خاص‌گرایی فرهنگی، و جذب نیرو

همان‌گونه که گفته شد، یکی از بحران‌هایی که در پی جهانی‌شدن به‌وجود آمده است بحران هویت و شکل خاص‌گرایی فرهنگی است. گروه‌های بنیادگرا، با تکیه بر مؤلفه‌های خاص هویت‌بخش برای بخش‌های گوناگون جامعه، تلاش می‌کنند بر تعداد هواداران خود بیفزایند و حیطه عمل خود را گسترش دهند. داعش نیز تلاش می‌کند با تکیه بر این مسئله، ناراضیان و سرخوردگان فرهنگی را از گوشه و کنار جهان به‌خود جذب کند. حکومت فرانسه در

یک تحقیق افرادی را که به داعش می‌پیوندند افرادی ناراضی، فاقد هدف، و فاقد حس هویت مشخص می‌داند. بر پایه گفته‌های پژوهش‌گران این تحقیق، به نظر می‌رسد این امر در بین همه ملیت‌ها عمومی باشد و این فضا به وسیله تعداد بسیاری از کسانی که به دنبال تغییرند پر می‌شود؛ به ویژه کسانی که به دنبال معنا و هدف والاتری در زندگی‌شان‌اند. داعش از این مسئله برای تحقق هدف خود بهره می‌برد. این گروه با فعالیت گسترده در فضای مجازی و تصویر سرزمین‌های جهادی به مثابه بهشت موعود این افراد را به خود جذب می‌کنند (Barrett, 2014: 18). با وجود چنین زمینه مساعدی، داعش با تکیه بر پنج مؤلفه بنیادین تلاش دارد خود را هسته سخت هویت‌بخش در فضای سیال هویت‌ها نشان دهد که می‌تواند مفری برای به حاشیه‌رانندگان باشد:

۱. تکفیری‌گری در تأکید بر تمایز و غیریت‌سازی در برابر نسبیت هویتی و معنایی ناشی از جهانی‌شدن؛
 ۲. دولت‌سازی در منطقه شام به مثابه سرزمین‌مندی و برآمدگی حافظه تاریخی خاص در برابر مکان‌زدایی جهانی‌شدن؛
 ۳. مطلق‌نگری متصلب‌گونه عقیدتی در تأکید بر رستگاری و پاک‌سازی در برابر عرفی‌سازی و شالوده‌شکنی جهانی‌شدن؛
 ۴. عمل‌گرایی، تجربه‌های تخیلی، و خشونت افراطی در واکنش به رخوت، بیهودگی، و حذف اجتماعی ناشی از دنیای جدید؛
 ۵. احساس امنیت و سرپرستی جماعت‌گرایانه در برابر فردگرایی و تنه‌بودگی عصر جدید.
- در ادامه، به بررسی هریک از مؤلفه‌های یادشده و تلاش داعش در این زمینه پرداخته می‌شود.

۱.۳ تکفیری‌گری به مثابه تأکید بر تمایز، غیریت‌سازی، و بازسازی هویتی در برابر نسبیت هویتی و معنایی ناشی از جهانی‌شدن

دو معنای اصلی هویت تمایز و تشابه مطلق است. هویت دو معنای اصلی دارد: نخستین معنای آن مفهوم تشابه مطلق را بیان می‌کند؛ این با آن مشابه است. معنای دوم آن تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می‌گیرد. به این ترتیب، به مفهوم شباهت از دو زاویه مختلف راه می‌یابد. مفهوم هویت هم‌زمان بین افراد یا اشیا دو

نسبت محتمل برقرار می‌کند؛ شباهت و تفاوت. هویت داشتن یعنی یگانه‌بودن، اما از دو جنبه متفاوت؛ همانند دیگران بودن در طبقه خود و همانند خود بودن در گذر زمان. به بیان کلی، هویت به درک و تلقی مردم از این که چه کسی‌اند و چه چیزی برای‌شان معنا دار است مربوط می‌شود. این درک و تلقی در پیوند با خصوصیات معینی شکل می‌گیرد که بر سایر منابع معنایی اولویت دارند (معمار و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۹). به نظر جامعه‌شناسان با گسترده‌تر شدن جهانی‌شدن و تأثیرات آن هویت و معنای زندگی انسان‌ها نیز تحت‌الشعاع قرار گرفته است. به نحوی که به آن بحران هویت گفته می‌شود. در جوامع سنتی پیوند تنگاتنگ فضا، زمان، و فرهنگ در یک مکان یا محل و سرزمین معین نیازهای هویتی را به خوبی تأمین می‌کرد و انسان‌ها درون دنیاهای اجتماعی کوچک، محدود، پایدار، و منسجم خود به هویت و معنای مورد نیاز خود به‌آسانی دست می‌یافتند، اما فرایند جهانی‌شدن، با پاره‌کردن این پیوند و نفوذپذیرکردن و فروریختن مرزهای مختلف زندگی اجتماعی، آن دنیاهای را به شدت متزلزل و حتی نابود کرد. تحت تأثیر این دگرگونی‌های بنیادین، امکان هویت‌یابی سنتی بسیار کاهش یافت و نوعی بحران هویت و معنا پدیدار شد (گل محمدی، ۱۳۸۳: ۲۴۵). در این بین، هویت مقاومت در بین مسلمانان، که گذشته پرشکوه خود را به دست غربی‌های مدعی مدرنیسم، پست‌مدرنیسم، و جهانی‌شدن ویران شده می‌بینند، پرچم‌دار این هویت می‌شود. اسلام‌گرایان برای مقاومت اجتماعی و قیام سیاسی همواره به بازسازی هویت فرهنگی متوسل شده‌اند که در واقع پدیده‌ای فرامردن است (کاستلز، ۱۳۸۰: ج ۲، ۴۲). این هویت مقاومت در دنیایی که ثروت، قدرت، و تصاویر جریانی جهانی دارند و جست‌وجوی هویت جمعی یا فردی منبع اصلی معنای اجتماعی است (همان: ۱)، موجب جذب انسان‌هایی از اکناف جهان به این گروه‌ها می‌شود، زیرا بنیادگرایی دینی امر دیگری است و ادعای من این است که این امر مهم‌ترین منبع هویت‌ساز در جامعه شبکه‌ای است (همان: ۳۷).

از این لحاظ، ایدئولوژی‌های مورد بحث برای چنین انسانی زدودن ابهام شکل گرفته حول تفاوت است (گل محمدی، ۱۳۸۳: ۲۴۶). بر این اساس است که ابهام‌زدایی و حصول یقین در بازشناسی خودی و غیرخودی اهمیت می‌یابد. کنش خشونت‌بار به یگانه‌ابزار یقین‌یافتن خود از خویشتن مطلق خود تبدیل می‌شود و بدترین نوع یقین (یقین مرگ‌محور) شکل می‌گیرد (همان). البته داعش یگانه گروهی نیست که غربی‌ها خواهان پیوستن به آن‌اند، اما به سبب وجهه جهانی‌ای که پیدا کرده جذاب‌ترین است. این‌ها همه

مرهون خلافت گستری، اعمال فوری «شریعت»، و فتوحات نظامی این گروهک است (اکنونمیست در خبرگزاری اقتصادی ایران: ۱۳۹۳).

البته این موضوع یعنی اهمیت بحران هویت و پاسخی که داعش به این موضوع می‌دهد فقط متوجه غرب نیست، بلکه پژوهش‌های دیگر در نقاط دیگر جهان نیز تأییدکننده این فرضیه است. تاتیانا درانزینا، استاد دانشگاه ملی اوراسیایی در آستانه، در تحقیقی مدعی می‌شود که مناطق روس‌گرای قزاقستان بیش‌ترین تعداد اعزام به جنگ سوریه را داشته‌اند. در ابتدا، به‌نظر می‌رسید مناطقی که به‌سمت عقاید و تمایلات روسی سوق پیدا کردند نواحی محفوظ از ایده‌های افراط‌گرایی باشند، اما در حال حاضر، وضعیت عکس این موضوع را نشان می‌دهد و عده بسیاری از جمعیت استان‌های «کاراگاندا»، «جزکازگانا»، «ساتپایوا»، و «کنگیرا» به سوریه رفتند. فقر مهم‌ترین دلیل پیوستن تندروها به داعش نیست. درانزینا ادامه می‌دهد: تعداد معدودی از این افراد به‌سبب بی‌کاری یا بحران مالی به گروه‌های افراطی پیوسته‌اند، این تحقیق نشان داد که فقر باعث تبدیل این افراد به تروریست نمی‌شود، بلکه همه‌چیز به این بستگی دارد که افراد از فقر چه برداشتی داشته باشند؟ و به چه نتایجی می‌رسند؟ (فارس، ۱۳۹۳).

۲.۳ خلافت‌سازی در منطقه شام به‌منزله سرزمین‌مندی و برآمدگی حافظه تاریخی مشترک در برابر مکان‌زدایی و مبهم‌بودگی ناشی از جهانی‌شدن

جهانی‌شدن موجب کم‌رنگ‌شدن مرزهای سرزمینی، زدودن تعلقات مکانی پیشینی، و احساس فضابودگی شده است. این مسئله موجب بحران کجابودگی برای انسان‌ها شده است و حافظه مکانی و سرزمینی انسان‌ها را که موجب واکنش از جانب هویت مقاومت و خاص‌گرا می‌شود پاک می‌کند. در این مقطع است که این گروه‌ها با بازآفرینی مکان و گذشته‌ای خاص، که نشان از تجلی هویتی بارز و افتخارآمیز است، به تدوین و اشتراک‌گذاری گذشته تاریخی کمک می‌کنند و این موجب جذابیتی نوستالژیک و پرشعف می‌شود. ایدئولوژی‌های خاص‌گرا در پاسخ به نیازهای هویتی انسان‌های دچار بحران هویت و معنا نه‌تنها گذشته را به حال پیوند می‌زنند، بلکه بر تداوم زمانی در آینده نیز تأکید دارند. در راه‌بردی کلان‌تر، فعالیت بنیادگراها همیشه به‌صورت واکنشی و با رجوع به گذشته صورت می‌پذیرد (کاستلز، ۱۳۸۰: ج ۲، ۲۶). داعش نیز با شیوه‌ای خاص و ابهام‌آمیز عقبه عقیدتی و آینده‌دولت‌سازی خود را به مقطع اولیه زدوده از آلودگی اسلام و دورانی خاص از شکوه تمدن اسلامی پیوند می‌زند.

بر پایه آمارها، نزدیک به سی هزار نفر عضو داعش‌اند، در حالی که، در اوج اقتدار القاعده، این سازمان نزدیک به سه هزار نیرو داشت. یکی از دلایل این‌که داعش توانسته است تا این اندازه جوانان سنی را به خود جذب کند بعد سرزمینی آن است. ایجاد دولت اسلامی این تصور را در ذهن جوانان سنی القا کرده است که داعش جنبشی است که توانایی پیروزی بر غرب را دارد و راه نجات است. نبردهای ممتد داعش، تسلط این گروه بر نواری سرزمینی در عراق و سوریه، و ادعای خلافت آن باعث جذابیت این گروه در بین جوانان سنی شده است. (Gerges, 2014: 342). داعش با طراحی پرچم‌های خاص منقوش به اذکار مهم اسلامی، خطی خاص بر روی پرچم که نشان از سادگی و اولیه‌بودن آن دارد، رنگی خاص منصوب به خلافت عباسی و ادعای خلافت در بغداد شکوه‌مند دوران طلایی اسلام، و حتی توجه به نوع لباس پوشیدن خلیفه خودخوانده، ابوبکر البغدادی، حسی از بیرون‌آمدگی از بین داستان‌های هزارویک شب را تداعی کرده است. اکنون آن‌ها به تازه‌مسلمانان غربی و هم‌چنین کسانی که در سیاه‌چاله‌های فرایند جهانی‌شدن حذف شده‌اند نوع حکومت خلافت را، که می‌تواند عدالت را بگستراند و مشکلات اجتماعی و فرهنگی را بزداید، مزده می‌دهند.

۳.۳ مطلق‌نگری متصلب گونه عقیدتی در تأکید بر راست‌کیشی، رستگاری، و پاک‌سازی در برابر عرفی‌سازی و شالوده‌شکنی جهانی‌شدن

جهانی‌شدن و پست‌مدرنیسم موجب زیرسؤال‌بردن و کم‌رنگ‌شدن بسیاری از اعتقادات دینی و رسوم و عقاید سنتی شده است و انسان را دچار سرگردانی عقیدتی و سرگشتگی ناشی از سیالیت کرده است. در پاسخ به این چالش گروه‌های مقاومت به بازسازی عقاید متصلب و بدون انعطاف پشت دیوارهای سترگ می‌پردازند. این هویت‌ها در بیش‌تر موارد واکنش‌های تدافعی علیه تحمیلات بی‌نظمی جهانی و تغییرات پرشتاب و کنترل‌ناپذیر به‌شمار می‌آیند. آن‌ها جان‌پناه می‌سازند نه بهشت (کاستلز، ۱۳۸۰: ۷۱). *فقه‌التکفیر*، که نرم‌افزاری اعتقادی است، به‌دست داعش شکل گرفت و آن‌ها توانستند احساسات خشونت‌گرا را با باورهای مذهبی درهم آمیزند. داعش معتقد است از آن‌جا که اهل سنت پیرو مکاتب اربعه جهاد را تعطیل کردند، پس کافر شدند و انکار حکم‌الله کفر محسوب می‌شود و تعطیلی عملی حکم خداوند به‌معنای انکار آن‌هاست. آن‌ها دنبال تشکیل حکومت اسلامی و نه حکومت‌های اسلامی‌اند و از آن‌جا که مسلمانان از نظر آن‌ها جهاد را تعطیل کرده‌اند پس کافر شده‌اند. در واقع، کافر‌سازی مسلمانان مهم‌ترین بخش رادیکالیسم و فقه

تکفیری داعش است. داعش سریع‌التکفیر است. از نظر عضو داعشی، کشتن یک کافر واجب است و براساس تفکرات تکفیری آن‌ها، وقتی یک عضو داعش مسلمانی را می‌کشد خود را مجاهد فی سبیل الله می‌داند نه یک تروریست. او این اقدام را به‌گمان خود با خلوص نیت انجام می‌دهد. اکنون بسیاری از اعضای اروپایی داعش از اروپای شمالی جذب شده‌اند. آن‌ها دین خود را از کسانی آموخته‌اند که دکتر یا مهندس بودند و مطالعاتی در علوم دینی داشته‌اند. در حقیقت، آن‌ها دین را از مفتی‌ها یا روحانیون سنی نیاموخته‌اند (فیرحی، ۱۳۹۳).

۴.۳ عمل‌گرایی، تجربه‌های تخیلی، و خشونت افراطی در واکنش به رخوت، بیهودگی، و حذف اجتماعی ناشی از دنیای جدید

دنیای انسان‌ها با پیچیده‌تر شدن و رشد فناوری به سمت کناره‌گیری از طبیعت و انزوا از اجتماع، از خودبیگانگی، قرارگرفتن در فضایی از جریان‌های مجازی، و بیهودگی انسان می‌رود. تحلیل فرایندها و شرایط و پیامدهای تبدیل مقاومت جماعت‌گرایانه به سوژه‌های دگرگون‌ساز قلمرو اصلی نظریه تغییر اجتماعی در عصر اطلاعات است (کاستلز، ۱۳۸۰: ج ۲، ۲۳). انسان‌ها کنترل خود را بر خانواده، محله، کشور، و حتی خودشان از دست می‌دهند و به گوشه‌ای از فضا پرتاب می‌شوند. در این زمینه، برساختن هویت بنیادگرا تلاشی است برای بازیافتن حتمی کنترل بر زندگی و بر کشور در واکنش مستقیم به فرایندهای کنترل‌ناپذیر جهانی شدن، که در اقتصاد و در رسانه‌ها به‌طور فزاینده‌ای احساس می‌شود (همان: ج ۲، ۵۱). در این برهه است که داعش با عمل‌گرایی و کنش‌مندی فوق‌العاده خود حس تجربه‌های ناشدنی در زندگی شهری را به شیوه‌ای خشونت‌بار و جذاب بدان‌ها می‌دهد که فقط در بازی‌های رایانه‌ای به آن دسترسی دارند. طبق گفته «الهام کلاب البساط»، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه واشنگتن، خستگی از یک‌نواختی زندگی در غرب و تمایل به شور و هیجان و جادوی مرگ در شرق برای رسیدن به شور اجرای آیین جدید با ویژگی‌های شگفت و عشق به‌دست‌آوردن معیشت از عواملی است که جوانان خارجی را به ترک غرب و پیوستن به نظام داعش، که زندگی کاملاً متفاوتی با سبک زندگی غرب دارد، سوق داده است (جهان اسلام، ۲۰۱۴). «رافائلو پانتوچی»، تحلیل‌گر اندیشکده مؤسسه سلطنتی خدمات متحده واقع در لندن، می‌گوید: «برخی افراد به آن‌جا کشیده می‌شوند، زیرا یک‌نواختی زندگی‌شان را پر کرده است». برای جوانانی که در شغل‌های بی‌آینده در شهرهای دل‌گیر کار می‌کنند، مفاهیم برادری، افتخار، و سلاح‌های

مدرن‌گیرا و جذاب است. بسیاری از مبارزان بلژیکی از شهرهای بی‌حال و مرده‌ای می‌آیند که جهادیون تلاش‌های خود را برای سربازگیری متوجه آن‌ها کرده‌اند (اکونومیست در خبرگزاری اقتصاد ایران، ۱۳۹۳).

داعش از طریق حملات وحشیانه علیه مخالفانش، هم‌زمان با این‌که تلاش دارد در دل مخالفان ترس و وحشت القا کند، از این اقدامات خشن به‌مثابه ابزاری برای جذب نیروهای جدید بهره می‌گیرد (Gerges, 2014: 340). این گروه بر خشونت بدون محدودیت علیه مخالفانش، حتی مخالفان سنی‌مذهب، متکی است. همان‌گونه که ابومحمد العدنانی، معاون بغدادی، در پاسخ به دیگر گروه‌های سلفی که از داعش خواسته بودند قوانین شرعی را در برابر مخالفان مسلمانان اعمال کند، به نقل از بغدادی گفته بود: تنها قانونی که من به آن پای‌بندم قانون جنگل است (ibid: 340-341).

فیلم‌هایی که در شبکه‌های اجتماعی از این افراد منتشر می‌شود علاوه بر جنایت و کشتار تلاش می‌کند صحنه‌هایی چریک‌گونه را به‌تصویر بکشد و با نمایش‌های پارتیزانی آن را به‌اوج برساند. صحنه‌های رزمی، امکان استفاده از سلاح‌های گوناگون، چهره‌های پنهان، و ... همگی تلاشی برای مبهم و جذاب کردن گروهی است که یکی از کثیف‌ترین گروه‌های تروریستی جهان است؛ شاکر پیوسته از منطقه‌ای به منطقه دیگر منتقل می‌شود و با رفتارهایی شبیه رفتارهای بازیگران هالیوودی تلاش می‌کند چهره‌ای جذاب برای گروه‌های ساده از خود و داعش نشان دهد (پایگاه تحلیلی خبری تیار). جان هورگان، کارشناس روان‌شناسی سیاسی و مدیر مرکز پژوهش‌های تروریسم در دانشگاه «پنسیلوانیا»، معتقد است: «بیش‌ترین انگیزه کسانی که از راه ترکیه برای پیوستن به تروریست‌ها می‌روند، آن‌گونه که برخی گمان می‌کنند، ربطی به دین ندارد». سختی زندگی، ماجراجویی، خواسته‌های سیاسی، ناتوانی در آمیخته‌شدن با جامعه، جذابیت جنگ، تمایل برای پیروی از دوستان، دریافت لقب قهرمان از نظر آن‌ها، و گذران تجربه‌ای هیجان‌انگیز با دوستان از جمله انگیزه‌هایی است که جوانان را به گروه‌های تروریستی در سوریه و عراق جذب می‌کند (خبرگزاری اویس، ۱۳۹۳).

۵.۳ احساس امنیت و سرپرستی جماعت‌گرایانه در برابر فردگرایی و تنهابودگی عصر جدید

جهانی‌شدن و فناوری‌های جدید انسان را بیش‌ازپیش از دیگران و جامعه جدا و خودمستغنی می‌کند. احساس جدافتادگی و تنهابودگی موجب آزار انسان می‌شود. مردم در

برابر فرایند فردی شدن و تجزیه اجتماعی مقاومت می‌کنند و مایل به گردهم‌آمدن در سازمان‌های اجتماع‌گونه‌ای‌اند که طی زمان احساس تعلق و هویت فرهنگی و همگانی ایجاد کند (کاستلز، ۱۳۸۰: ج ۲، ۶۷). در اولین مرحله واکنش (باز) برساختن معنا از سوی هویت‌های تدافعی از نهادهای جامعه جدا می‌شود و وعده تجدید بنای از پایین به بالای آن را می‌دهد، در حالی که، در بهشتی جماعت‌گرایانه سنگر گرفته است. این امکان هست که از چنین جماعت‌هایی، سوژه‌های جدیدی (کارگزاران جمعی تغییر اجتماعی) پدید آیند و معنای تازه‌ای بر محور هویت برنامه‌دار بر سازند.

بحران هویت و حس بی‌عدالتی در بین فعالان سیاسی کاربران رسانه‌های اجتماعی در اروپا برای داعش تعدادی عوامل بنا می‌نهد تا آن‌ها را به نفع خود، از طریق سوءاستفاده از میل و عزم بالقوه جنگ‌جویان خارجی، دست‌کاری کند و آن‌ها زندگی‌شان را برای اجرای قوانین اسلامی در سراسر جهان فدا کنند (سایت آنتروپولوژی، ۱۳۹۳). هورگان یافته‌هایش از بررسی انگیزه‌های جنگ‌جویان خارجی را نیز این‌طور شرح می‌دهد:

تا آن‌جا که به جنگ‌جویان خارجی داعش مربوط است، انگیزه آن‌ها برای پیوستن به گروه داعش نیاز به تعلق به یک چیز ویژه است. آن‌ها تمایل دارند معنایی را برای زندگی‌شان بیابند. برخی به دنبال هیجان و برخی به دنبال رستگاری هستند (خبرگزاری شفقنا، ۱۳۹۳).

اما داعش برای این‌که بتواند خود را عاملی هویت‌بخش بنمایاند و بر افکار مسلط شود، به ابزارهای ارتباطی برای برقراری ارتباط با مخاطبانش نیاز دارد. شبکه‌های ارتباطی جدید، به‌منزله یکی از پیامدهای جهانی شدن دانش، این امکان را به داعش داده است تا دامنه تبلیغات خود را در گستره جهانی افزایش دهد و باعث جذب نیرو از سراسر جهان شود.

۴. رسانه‌های ارتباطی جدید؛ ابزار جذب نیرو برای داعش

سابقه استفاده از رسانه‌ها از سوی گروه‌های جهادی به سال‌های پیش از حملات ۱۱ سپتامبر بازمی‌گردد. گروه القاعده برای پخش پیام خود با ساخت ویدئوهایی و انتشار آن‌ها از طریق رسانه‌هایی مانند *سحاب و الملامه (Al-malahem)* اقدام می‌کرد. پس از گسترش دسترسی جهانی به شبکه اینترنت، گروه‌های جهادی نیز وارد این فضا شدند و از اینترنت برای پخش پیام‌های خود بهره بردند، اما شکل‌گیری رسانه‌های اجتماعی مانند توئیتر در سال‌های اخیر این روند را تغییر داد. موفقیت داعش در موصل بیش‌تر به سبب موفقیت این گروه از طریق استفاده مؤثر از رسانه‌های اجتماعی و تبلیغات تهاجمی آن‌ها بود. آن‌ها به‌صورت موفقیت‌آمیزی از رسانه‌های اجتماعی برای نشان‌دادن توانایی‌های سربازان داعش

و تضعیف روحیه مخالفان استفاده کردند (Narang, 2014: 3). به همین سبب، پس از تصرف موصل داعش حضور خود را در شبکه‌های اجتماعی تقویت کرد و با چهل هزار تویییتی که در یک روز منتشر کرد نشان داد که برنامه‌ی جامعی برای حضور در شبکه‌های اجتماعی و استفاده از این فضا دارد. این امر با توییتهایی که در آن پرچم داعش بر فراز بغداد نمایش داده می‌شد مشخص‌تر بود.

بیش‌تر پژوهش‌گران بر این اعتقادند که علت برجسته‌ی موفقیت داعش حضور گسترده‌ی آن در رسانه‌های مجازی و حضور مبارزان خارجی در این گروه است. بر این اساس، آن‌ها معتقدند یکی از راه‌کارهای داعش برای جذب جوانان انتشار فیلم‌ها و عکس‌های جوانان غربی ملحق‌شده به این گروه در فضای مجازی برای جذب نیروهای تازه از کشورهای غربی است (ibid: 2). کیفیت تبلیغات داعش در فضای مجازی به اندازه‌ای است که تحلیل‌گران آن را با فیلم‌های هالیوودی مقایسه می‌کنند. آن‌ها موفق شده‌اند از رسانه‌های اجتماعی برای جذب جوانان نه‌تنها از خاورمیانه، بلکه از امریکا، بریتانیا، اروپا، چین، پاکستان، افغانستان، و دیگر کشورها استفاده کنند (ibid).

مسلمانانی که در کشورهای غربی زندگی می‌کنند یکی از مهم‌ترین اهداف تبلیغات داعش در شبکه‌های اجتماعی‌اند. داعش برای این کار پیام خود را به زبان‌های گوناگون منتشر می‌کند. این عمل از طریق ارتش رسانه‌ای پیچیده‌ای هم‌چون *الفرقان*، *القربا*، و *الحیات* انجام می‌شود. براساس گزارشی که «جف باردین»، یکی از افسران سرویس اطلاعات اینترنت امریکا، ارائه می‌دهد، هر ماه ۳۶۰۰ نفر از طریق کمپین‌های آنلاین و شبکه‌های اجتماعی، که به‌خوبی سازمان‌دهی شده است، به کمپین‌های اینترنتی داعش می‌پیوندند. این تعداد از لحاظ ذهنی عضو داعش می‌شوند و منتظر فرصت برای پیوستن به آن‌اند. هیچ محدودیتی در دسترسی به منابع دسته‌اول از زندگی جهادی‌ها در سوریه برای مشتاقان غربی نیست. کسانی هم که این خبرها را می‌خوانند نه‌تنها آن را برای دیگران می‌فرستند، بلکه نظر خود را نیز در این زمینه برای دوستانشان ارسال می‌کنند و شبکه‌ای از دسترسی افراد جهادی به خبرهای سوریه شکل می‌گیرد که منجر به گفتمانی درون‌گروهی بین آن‌ها از جنگ در سوریه و حکومت دولت اسلامی می‌شود؛ امری که اشتیاق آن‌ها برای سفر به سوریه را دوجندان می‌کند. تعداد بسیاری از کسانی که از غرب به داعش پیوسته‌اند از رسانه‌های اجتماعی استفاده می‌کنند و تجربیاتشان از جنگ در سوریه را در کوتاه‌ترین زمان در فضای مجازی پخش می‌کنند. برای آن‌ها رسانه‌های اجتماعی منبع اطلاعات و نیز ابزاری برای پخش اطلاعات است (Carter et al., 2014: 19).

به همین سبب، می‌توان گفت مهم‌ترین هدف داعش از حضور در فضای مجازی تبلیغات، افراط‌گری، و جذب نیرو است. همچنین، با استفاده از فیلم‌هایی که در یوتیوب گذاشته می‌شود، نحوه درست کردن بمب، شیوه اجرای عملیات، و نحوه برخورد با اهداف موردنظر به نیروهای آموزشی داده می‌شود که در فواصل دور و در اقصی نقاط جهان پراکنده‌اند و حضور فیزیکی ندارند.

امروزه جوانان معتاد شبکه‌های اجتماعی شده‌اند و زندگی بدون آن را دشوار می‌بینند. از سوی دیگر، آن‌ها در این سن به سبب رویکردهای آرمان‌گرایانه‌شان بسیار آسیب‌پذیرند. گروه‌های تروریستی نیز جوانان را یکی از جوامع اصلی هدف خود برای جذب از طریق شبکه‌های اجتماعی می‌دانند (Narang, 2014: 4). با بررسی پروفایل‌های شخصی کسانی که به سوریه رفته‌اند و کسانی که خود را جنگ‌جوی خارجی می‌نامند، می‌توان دریافت که میانگین سنی کسانی که به داعش می‌پیوندند حدود ۱۸ تا ۲۹ سال است؛ البته کسانی هم هستند که بین ۱۵ تا ۱۷ سال دارند. این میانگین سنی کم‌تر از جهادگرایان افغان است که میانگین آن‌ها ۲۵ تا ۳۵ سال بود. این نشان می‌دهد میانگین سنی کسانی که به پیکارجویان می‌پیوندند جوان‌تر شده است (Barrett, 2014: 16). داعش، برای جذب این جوانان مستعد، به صورتی نظام‌مند و برنامه‌ریزی شده ده‌ها صفحه در توئیتر برای خود ایجاد کرده است. برخی از این صفحات برای انتشار پیام رهبری این گروه استفاده می‌شود و برخی برای جذب نیرو یا ایجاد وحشت عمومی است. مثلاً، یکی از صفحات توئیتری این گروه به نام «اجناد» (Ajnad)، که مربوط به بحث‌های مذهبی و پیام‌های قرآنی است، نزدیک به ۳۶۵۰۰ هوادار دارد. رسانه‌ی *الفرقان*، که مسئول تهیه مولتی‌مدیاهای این گروه است، صفحه‌ای در توئیتر دارد که پیام‌های رهبر گروه و همچنین ویدئوها و تصاویر سربریدن‌ها را منتشر می‌کند و حدود نوزده هزار هوادار دارد. یا مؤسسه رسانه‌ای *الحیات* چندین صفحه دارد که بر جذب نیرو از کشورهای غربی متمرکز است و هزاران هوادار دارد. داعش هم‌چنین صفحاتی برای جذب نیرو در عراق و سوریه دارد که بر استان‌های سنی‌نشین این دو کشور متمرکز است. مثلاً صفحات مربوط به استان الانبار و نینوا هرکدام حدود پنجاه هزار هوادار و صفحه‌ی مربوط به استان دیالی حدود دوازده هزار هوادار دارد. افزون‌بر این صفحات، داعش هم‌چنین از سوی برخی از رسانه‌های گروهی آنلاین دیگر نیز پشتیبانی می‌شود. مثلاً گروه رسانه‌ای *البتر* (*al-battar al-battar*) با ۳۲ هزار هوادار، با ترجمه پیام‌های داعش برای مخاطبان خود و تولید محتوای رسانه‌ای، از این گروه پشتیبانی می‌کند.

با تکیه بر این ابزارهای ارتباطی نوین است که داعش توانسته با جوامع هدف خود ارتباط برقرار کند و نزدیک به پانزده هزار نفر را از گوشه و کنار جهان به خود جذب کند. بنابراین، داعش به خوبی می‌داند که رسانه‌های ارتباطی جدید چه قابلیت‌هایی دارد و تلاش کرده است با برنامه‌ریزی و ایجاد گروهی ویژه حداکثر بهره را از این رسانه‌ها برای جذب جوانان ناراضی ببرد.

۵. نتیجه‌گیری

جهانی‌شدن، به سبب تأکید بر یک‌دستی فرهنگی و تزریق از بالا به پایین فرهنگ، به حاشیه‌نشینی و حذف بسیاری از خرده‌فرهنگ‌ها یا فرهنگ‌هایی منجر می‌شود که توان لازم برای رقابت با فرهنگ‌های برتر در فضای جهانی را ندارند. از سوی دیگر، تأکید بر فرد نوعی خردشدن هویتی را در فضای جهانی شده ایجاد می‌کند که تنهایی و جداافتادگی را برای افراد به دنبال دارد. به همین سبب، از یک سو با بحران به حاشیه‌رانده‌ها مواجه‌ایم و از سوی دیگر، با بحران انزوای اجتماعی. این دو مؤلفه به حس بحران هویت در گروه‌ها و افراد منجر می‌شود که خاص‌گرایی فرهنگی را در بین به حاشیه‌رانده‌ها به دنبال دارد. به همین سبب، از دل این خاص‌گرایی، هویت‌های مقاومت سربرمی‌آورند که بر هم‌بستگی درونی در مقابل تفرد بیرونی و بر مقاومت به مثابه ابزاری برای حفظ خود در برابر فرهنگ سلطه‌جوی جهانی تأکید دارد. گروه‌های بنیادگرا از مهم‌ترین هویت‌های خاص‌گرا و از امن‌ترین مأمّن‌ها برای هویت‌های به حاشیه‌رانده‌شده، فرار از تفرد اجتماعی، کسب هویت جدید، و مقابله با هویت سلطه‌جوست. در این بین، ابزارهای ارتباطی نیز در خدمت این گروه‌های خاص‌گرای هویتی قرار می‌گیرد که از طریق آن، دامنه عمل خود را افزایش می‌دهند و با جذب نیروهای بیش‌تر به تقویت خود می‌پردازند.

همان‌گونه که نشان داده شد، در تحلیل پدیده داعش نیز چنین وضعیتی را شاهدیم. داعش از یک سو تلاش می‌کند با تکیه بر مؤلفه‌های هویت‌بخش اسلامی و احیای بخش‌هایی از هویت، که در فضای جهانی شده به کنار رفته‌اند و حذف شده‌اند، خود را گروه خاص‌گرای هویتی برای بسیاری از افراد نشان دهد. همین امر باعث جذابیت این گروه برای بسیاری از به حاشیه‌رانده‌شده‌های فرهنگ سلطه‌جوی جهانی شده، به ویژه در غرب، شده است. ابزار ارتباطات و به ویژه شبکه‌های اجتماعی نیز در خدمت آن‌ها آمده است که با تبلیغات وسیع در این شبکه‌ها بر نفوذ خود در بین افکار جهانی می‌افزایند و نیروهای تازه‌ای را از گوشه و کنار جهان جذب می‌کنند.

کتابنامه

- بیلیس، جان و استیو اسمیت (۱۳۸۳). *جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین*، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، ج ۱، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- دهشیار، حسین (۱۳۸۸). «لیبرالیسم، جوهره جهانی‌شدن»، *فصل‌نامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ش ۲۶۷ و ۲۶۸.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۰). «جهانی‌شدن؛ مصداق‌ها و برداشت‌ها»، *فصل‌نامه مطالعات ملی*، س ۳، ش ۱۰.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۴). *نظریه‌های گوناگون درباره جهانی‌شدن*، تهران: سمت.
- فیرحی، داوود (۱۳۹۳). «داعش به دنبال احیای عصر هارون‌الرشید است»، *بنیاد باران*، <http://bonyadbaran.com>، بازایی در ۱۳۹۳/۹/۱۷.
- قریشی، فردین (۱۳۸۲). «جهانی‌شدن: تحریر و ارزیابی تفاسیر مختلف»، *جهانی‌شدن: برداشت‌ها و پیامدها*، به‌کوشش سیدمحمدکاظم سجادیپور، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). *اقتصاد، جامعه، و فرهنگ، عصر اطلاعات ظهور جامعه شبکه‌ای*، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، ج ۱، تهران: طرح‌نو.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). *اقتصاد، جامعه، و فرهنگ، قدرت هویت*، ترجمه حسن چاوشیان، ج ۲، تهران: طرح‌نو.
- گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۰). «تجدد، جهانی‌شدن، و هویت، خاص‌گرایی فرهنگی در جهان معاصر»، رساله دکتری، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن چاوشیان، تهران: نشر نی
- معمار، ثریا، صمد عدلی‌پور، و فائزه خاکسار (۱۳۹۱). «شبکه‌های اجتماعی مجازی و بحران هویت با تأکید بر بحران هویتی ایران»، *فصل‌نامه علمی - پژوهشی مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ش ۴.
- نوابخش، مهرداد و مستانه‌سادات نیکوکار (۱۳۹۰). *جهانی‌شدن و بحران هویت جوانان*، *فصل‌نامه مطالعات راه‌بردی جهانی‌شدن*، ش ۳.

Barrett, Richard (2014). *Foreign Fighters in Syria*, New York: The Soufan Group.

Carter, Joseph A., Shiraz Maher, Peter R. Neuman (2014). *Measuring Importance and Influence in Syrian Foreign Fighter Networks*, London: The International Center for the Study of Radicalization and Political Violence, website at: <www.icsr.info>.

Gerges, Fawaz. A III (2014). "ISIS and the Third Wave of Jihadism", *The Journal of Middle East and Africa*, Vol. 6.

Ishengoma, Fredrick Romanus (2013). "Online Social Networks and Terrorism 2.0 in Developing Countries", *International Journal of Computer Science & Network Solutions*, Vol. 1, No 4.

Narang, Wg Cdr Rk. (2014). *Islamic State Propaganda and Implication for India*, Delhi: Center for Air Power Studies.

Noguchi, Cited in Yuki (2006). "Tracking Terrorists Online," *Washington Post*.

The Islamic State (ISIS,ISIL), Fact sheet (2014). The Clarion Project (Challenging Extremism Promoting Dialogue), September.

<http://www.anthropology.ir>.

<http://www.clarionproject.org/sites/default/files/islamic-state-isis-isil-factsheet-1.pdf>.

<http://www.econews.ir>.

<http://www.farsnews.com>.

<http://www.iwna.org>.

<http://www.oweis.ir>.

<http://www.shafaqna.com/persian>.

<http://www.soufangroup.com>.

<http://www.washingtonpost.com/wp-dyn/content/discussion>.